

مقصودالحسن نوری^۱

موضوع اصلی و عمده کریدور افغانستان از عواملی است که می‌تواند موجب پیوند و ارتباط جامع پاکستان با جمهوری‌های آسیای مرکزی باشد. در صورت برقراری ثبات و امنیت در افغانستان و موفقیت پاکستان در مبارزه با تروریسم بین‌المللی، امکان وجود کریدور افغانستان و دستیابی به جمهوری‌های آسیای مرکزی میسر می‌شود و این نه فقط به نفع این کشورها که به نفع جهان خواهد بود. در این راستا دشواری‌ها و مشکلاتی پیش روی پاکستان است که باید مورد بررسی قرار گیرد و در جهت حل آن گام‌هایی برداشته شود. از جمله عواملی که باید در نظر گرفته شود نبودن اطلاعات کافی از جمهوری‌های آسیای مرکزی، کمبود منابع انسانی متخصص، شرایط طبیعی، نظام‌های سیاسی این جمهوری‌ها، نقش آمریکا در منطقه اقتصادهای ضعیف و مسئله دموکراسی در آسیای مرکزی است. احتمالات متعدد برای خط لوله‌ها، نقش چین و مرتبط ساختن استان سین‌کیانگ به پاکستان و آسیای مرکزی از جمله موارد مورد بحث می‌باشند که در نهایت باید از میان آنها انتخابی صورت گیرد.

کلیات

هنگامی که جمهوری‌های آسیای مرکزی در ابتدای دهه ۱۹۹۰ بیشتر در اثر غفلت تا با طرحی از پیش تنظیم شده به استقلال رسیدند، نشاط و شادی بسیاری در پاکستان پدیدار شد که بالاخره با جمهوری‌های مسلمان شوروی سابق ارتباط برقرار گردید. احساسات مذهبی و فرهنگی مبتنی بر خاطرات تاریخی از سمرقند، تاشکند و بخارا غوغا و هیاهویی به پا کرد. در آن موقع آنها بخوبی متوجه نشدند که جمهوری‌های آسیای مرکزی پس از اینکه تقریباً ۷۵ سال تحت حاکمیت کمونیستی بودند اکنون از نظر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ماهیتهای متفاوتی هستند.

۱. دکتر مقصودالحسن نوری محقق ارشد مؤسسه تحقیقات سیاسی اسلام‌آباد است این مقاله توسط خانم بدرالزمان شهبازی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

با وجود آنکه جمهوری‌های آسیای مرکزی به آزادی دست یافته بودند اما عجیب آن بود که هنوز به روسیه وابسته بودند. جبر جغرافیایی و تحمیل پیوندهای اقتصادی برای بیش از هفتاد سال از عواملی بود که نادیده گرفته شده بودند. در همین حال رهبری جدید غیرکمونستی در این جمهوری‌ها نمی‌توانست به آسانی ارتباطات اولیه با روسیه را که هنوز ۷۵ درصد سرزمین وسیع شوروی پیشین را تشکیل می‌داد، قطع کند.

پس از حدود یک دهه، حوادث ۱۱ سپتامبر آمریکا را به عنوان یک ابرقدرت در منطقه هدف قرار داد. با حضور نظامیان آمریکایی در افغانستان و تسهیلات نظامی در اغلب جمهوری‌های آسیای مرکزی یک «بازی بزرگ جدید» آغاز گردید. با وجود ابرقدرت حاکم (آمریکا) و ابرقدرت پیشین (روسیه) در این جمهوری‌ها که گاهی در مجاورت هم قرار می‌گیرند کشورهایی مثل پاکستان اختیارات و انتخابهای محدودی را باید مشخص نمایند. درگیر بودن افغانستان در تلاطم جنگ مانع از آن شد که پاکستان پیوند ارتباطی حقیقی با این جمهوری‌ها پیدا کند. با خروج رژیم طالبان و شکل‌گیری قانون اساسی جدید و انتخابات در پاییز سال ۲۰۰۴ امیدهای روشنی پدیدار شد که شاید افغانستان در مسیر تثبیت خود قرار گرفته است، هرچند که این مسیر ناهموار است و به زمان نیاز دارد. جمهوری‌های آسیای مرکزی، بخصوص همسایگان افغانستان (تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان) نیز به نوبه خود با اقتصادهایی بسته و محصور در خشکی مایل به یافتن روزه و راهی برای دستیابی به منابع هیدروکربونی و تجارت با کشورهای پرجمعیت مثل پاکستان و هند هستند. موضوع اصلی و عمده در این مقاله این است که بدون گشودن «کریدور افغانستان» جستجوی پاکستان و تلاش جمهوری‌های آسیای مرکزی برای منابع هیدروکربنی آسیای مرکزی در نهایت امیدواری بیش نخواهد بود. در این ارتباط این مقاله می‌کوشد ابتدا برخی از مشکلات واقعی را که پاکستان در منطقه با آن مواجه است تحلیل نماید، دوم احتمالات خط لوله‌ای فراملی که امکان ارتباط منطقه را ممکن می‌سازد، بطور مختصر بحث می‌کند، سوم مروری اجمالی و کلی در مورد نقش چین در مرتبط ساختن استان مسلمان سین‌کیانگ (ترکستان شرقی پیشین و ضمیمه فرهنگی آسیای مرکزی)

به پاکستان را مطرح می‌نماید و در آخر پیشنهاداتی ارائه می‌کند تا با ترغیب سیاستهای متمرکزتر و ابتکاری در مناطق ایلیاتی نشین بلوچستان و افغانستان، ارتباط پاکستان با جمهوری‌های آسیای مرکزی را برقرار و تثبیت نماید. ضرورتی به ذکر این حقیقت نیست که پاکستان مانند دیگر کشورها و ملل مسلمان در جنوب شوروی سابق، از به استقلال رسیدن جمهوری‌های آسیای مرکزی هم متعجب و هم تا حدودی خرسند شد. اما دیر یا زود این مسئله باید مورد توجه قرار می‌گرفت که پاکستان با همسایگان جدیدی مواجه است که با آنان ارتباطات تاریخی داشته است. برخی از مشکلات رویاروی پاکستان بدین شرح است:

فقدان اطلاعات در مورد منطقه

گاهی از نظر جهان خارج، ویژگی مهم در مورد پنج جمهوری آسیای مرکزی این است که اطلاعات کافی از آنها وجود ندارد. جمهوری‌های مسلمان شوروی سابق منطقه وسیعی را شامل می‌شوند که در آن مناطق و آبادی‌هایی وجود دارد که دارای مردمی زنده‌دل و پُرانرژی هستند که بر روی منابع انرژی بزرگ موجود و دست نخورده جهان، در میان هیاهوی تحولات منطقه تکیه کرده‌اند. این منطقه، همانگونه که اروپا زمانی در دوران قرون وسطی برای جهان ناشناخته بود، برای غرب و بطور کلی برای جهان تا حدودی ناشناخته است. چنانچه قرار باشد تجارت، بازرگانی و یا سرمایه‌گذاری با شرکتهای چندملیتی و خارجی صورت پذیرد، اطلاعات تنظیم شده و دسته‌بندی شده‌ای باید گردآوری شود.

کمبود منابع انسانی

جمهوری‌های شوروی سابق اکنون با کاهش و کمبود نیروی انسانی مواجه‌اند. در حالی که جهان صنعتی ایده‌های «کارگران مهمان» را مورد تجدیدنظر قرار داده است، این جمهوری‌ها ناگزیرند نیروی انسانی فنی و ماهر رانده شده را به کشور وارد نمایند. این جمهوری‌ها پس از استقلال، از مهاجرت کارگران ماهر آسیب دیدند و مبنای منابع انسانی آنها تضعیف گردید.

کادرهای ماهر از اقوام روس و ژرمن، جمهوری‌های آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان و ازبکستان را ترک کردند. در ارمنستان، گرجستان و تاجیکستان، افراد مهاجر از طبقه متوسط تحصیل کرده و با مهارت‌ها و تخصص‌های مختلف بودند.

علی‌رغم از دست دادن این نیروهای انسانی، جمعیت آسیای مرکزی اساساً آموزش دیده و باسواد هستند هرچند که کیفیت این تحصیلات و آموزش‌ها تحت حاکمیت شوروی مبالغه‌آمیز بود. به‌عنوان مثال، ازبکستان دارای سطحی از کادرهای فنی و آموزشی است که بسیار بالاتر از سایر جمهوری‌های مسلمان است. از نظر بهداشتی استانداردها اکنون بسیار بهتر از استانداردهای غالب در روسیه است. پاکستان که یکی از پرجمعیت‌ترین کشورها در منطقه است در جایگاه خاصی برای تأمین نیروی انسانی آموزش دیده برای این منطقه قرار دارد. چین و هند هر دو با «اقتصادهای بزرگ» خوانده می‌شوند. هرچه تقاضای آنها به نفت و واردات کشاورزی افزایش می‌یابد، وابستگی آنها به مواد معدنی و منابع هیدروکربن جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز بیشتر می‌شود. البته مواد غذایی و کالاهای کشاورزی نظیر میوه و کالاهای تولیدی را می‌توان تأمین کرد.

شرایط و منابع طبیعی

منابع نفت و گاز در منطقه دریای خزر به‌خوبی شناخته شده‌اند. در واقع بر اساس گزارش‌ها، این منابع از منابع دریای شمال و منبع پیدا شده در کاشگن^۱ که یکی از بزرگترین منابع در طی سه دهه می‌باشد نیز فراتر رفته است. در ابتدای دهه ۱۹۹۰، شورون^۲ دفاتر خود را برای اکتشاف و بهره‌برداری از میدانهای نفتی تنگیز^۳ در قزاقستان منتقل کرد. برخی ناظران چنین تصور می‌کنند که در مورد این منابع نفت و گاز اغراق شده است اما تردیدی نیست که آنها پس از خاورمیانه منابع آتی انرژی محسوب می‌شوند.

1. Kashgan
2. Chevron
3. Tangez

نظام سیاسی

جمهوری‌های آسیای مرکزی جایگاه جغرافیایی، سطح منابع و پیشینه‌های سیاسی و فرهنگی مختلفی دارند. در حالی که قزاقستان و قرقیزستان دارای نظام‌های افقی و باز حکومتی هستند، ازبکستان و تاجیکستان دارای ساختارهای سلسله‌مراتبی و ترکمنستان دارای ساختار طایفه‌ای هستند. مدیریت و سرمایه‌گذاری‌های آتی با نظام‌های سیاسی نظیر صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی و بانک بین‌المللی توسعه و بازسازی شکل می‌گیرد تا آنها را وارد نظام جهانی نماید. این دلیلی برای پیوستن آنها به سازمان تجارت جهانی است. قزاقستان و آذربایجان با شرکتهای عظیم نفتی قرارداد بسته‌اند که به دنبال برگشت سریع سرمایه و سود هستند. قزاقستان اکنون از نظر سرمایه‌گذاری خارجی مقام سوم رادر میان جمهوری‌های آسیای مرکزی دارد. تاجیکستان و ترکمنستان به عنوان دولت‌های ملی نگران بقای خود هستند و در مقابل اصلاحات مقاومت می‌کنند در حالی که ازبکستان با حداقل اصلاحات ثبات ملی خود را تحکیم می‌نماید.

نقش آمریکا در منطقه

به نظر می‌رسد که با حضور نظامی اخیر آمریکا در افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و تا حدی در ترکمنستان، نقش و ظرفیت روسیه و چین محدود و مشخص شده است. بدین ترتیب اروپایی‌هایی چون آلمان به سوی منطقه سرازیر می‌شوند. این احتمالاً دلیلی برای کمک به نظامیان برای عملیات صلح در افغانستان به عنوان مجوز یا برکه حق تصرف برای سهم شدن در گشودن باب فرصت‌های تجاری در افغانستان پس از طالبان، و فراتر از آن در آسیای مرکزی است. به اعتقاد نقوی^۱، سیاست جهانی «یکجانبه‌گرایی» و «استثنایگرایی» آمریکا، اتفاقی نیست بلکه از پیش به‌خوبی طراحی و تصمیم‌گیری شده بود. با این نگرش، این کار برای محدود نمودن نفوذ تمامی رقبای احتمالی به‌ویژه در دو حوزه اصلی تولید و بازار نفت و گاز و سایر مواد معدنی

1. Naqvi

است. در این ارزیابی مسئله دیگر نوسازی تجهیزات ضعیف نیروهای مسلح جمهوری‌های آسیای مرکزی است که قراردادهای عمده آنها احتمالاً اغلب در انحصار شرکتهای تجاری آمریکایی و دیگر کنسرسیوم‌های بین‌المللی خواهد بود.^(۱)

ثبات و نظم سیاسی

هرگونه طرح و برنامه آتی برای ارتباط با آسیای مرکزی باید پس از بازگشت نظم و قانون و برقراری زیرساخت اصلی در افغانستان باشد. لازم به ذکر این مطلب نیست که افغانستان هنوز نزدیکترین و اقتصادی‌ترین راه به پاکستان است. پروژه‌های خط لوله‌های گاز فراسرزمینی باید با الگوی منابع جهانی انرژی که در سالهای آتی ظهور می‌کند مطابقت داشته باشد.^(۲)

اقتصادهای ضعیف - فرصتهای سرمایه‌گذاری ناچیز

جمهوری‌های آسیای مرکزی ناگزیر به کاهش بدهی‌های خارجی خود، بهینه ساختن پتانسیل صادرات، اجرای گسترده اصلاحات، کنترل شکل‌های رادیکال و شبه نظامی اسلام‌گرایان و حفظ نظام سکولار - لیبرال هستند.

معمای پیچیده دموکراسی و توسعه

جمهوری‌های آسیای مرکزی نظیر دیگر ملل در حال توسعه با معمای اصلی پیچیده‌ای روبرو هستند. آیا آنها ابتدا به دموکراسی نیازمندند یا توسعه؟ یا اینکه هر دوی این ویژگی‌ها باید به‌طور همزمان در جریان باشد؟ برای این جمهوری‌ها درس‌های بسیاری است که باید از تجربه پاکستان، خاورمیانه، غرب آسیا، و دورتر از آن یعنی شرق آسیا بیاموزند.

به‌عنوان مثال در جمهوری‌های آسیای مرکزی و نیز در سایر مناطق که در آن دولتهای قدرتمند پدرسالار و استبدادی حکومت کردند، رشد اقتصادی و ثبات سیاسی بهتری وجود داشته است. کشورهای آسیای شرقی در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ این امر را بخوبی نشان می‌دهند.

آن دموکراسی که هنوز به عنوان یک نهاد در برخی ملل در حال توسعه خاص ریشه و عمق پیدا نکرده و به اجرا در نیامده است، ناگزیر این سؤال را مطرح می‌کند که آیا در حقیقت و اصل دموکراسی اشتباهی وجود دارد و یا اینکه این اشتباه ناشی از کاربری غلط دموکراسی بوده است. در حقیقت این مفهوم دموکراسی نیست که دچار ایراد و اشکال است بلکه نهادها و ساختارهایی دارای اشکال هستند که برای حفظ دموکراسی لازم‌الاجرا می‌باشند. بنابراین جامعه مدنی باید ظهور پیدا کند که بتواند سیاستهای دولت را مورد سؤال قرار دهد و نیز از حقوق بشر آگاهی داشته باشد. اگر میزان باسوادی عملی و واقعی در جمهوری‌های آسیای مرکزی بالا است بدین معنا نیست که آموزش و تحصیلات واقعی در جوامع آنها طوری نفوذ پیدا کرده است که می‌تواند گروه‌های مستقل مدنی و غیردولتی را به وجود آورد.

بانگاهی به پاکستان به نظر می‌رسد که افت اقتصادی در پاکستان که از دهه ۱۹۹۰ شروع شد حاکی از شکست دموکراسی نبود بلکه بیانگر شکست نهادها بود. اگر در سالهای اخیر مشکلات اقتصادی در شرق آسیا مثلاً جا کارتا، بانکوک و سئول مطرح شده است این به دلیل «کاپیتالیسم» و خیانت نهادهای دموکراتیک است نه شکست مفهوم دموکراسی. این علائم و نشانه‌ها در مورد جمهوری‌های آسیای مرکزی هم پیش‌بینی می‌شود. بذر دموکراسی یک شبه و در خلاء روئیده نمی‌شود بلکه باید با بردباری، ابتکار و بینش سیاسی پرورش یابد. شاید زمینه برای ناشکیبایی مستعدتر باشد اما توافق عام بر این است که توسعه اقتصادی پایدار در جوامعی که فاقد نهادهای دموکراتیک قدرتمند می‌باشد رخ نخواهد داد.

امروزه ساختارهای نهادین در جمهوری‌های آسیای مرکزی ضعیف، انعطاف‌ناپذیر و حتی ناکارآمد هستند، یعنی در حقیقت بسیار ضعیف‌تر از آنچه که در پاکستان بود. بنابراین لازم است به مردم آنها قدرت و اختیار بیشتری داده شود و جوامع مدنی در اسرع وقت شکل بگیرد. اما با این وجود صرف‌نظر از این کاستی‌ها، جمهوری‌های آسیای مرکزی جنبه‌های مثبتی دارند که باید بدون هیچ‌گونه اتلاف وقت بر روی آنها سرمایه‌گذاری کرد.

طرح‌های خط لوله‌ها

حوضه دریای خزر به سرعت به عنوان یک منبع بزرگ و خیره‌کننده نفت مطرح می‌شود که قابل رقابت با عربستان سعودی است. گفته می‌شود ذخایر نفتی آن بین ۱۱۵ تا ۲۰۰ میلیارد بشکه است اما آخرین برآوردها این آمار را بسیار پایین‌تر نشان می‌دهند.^(۳) در گذشته این ذخایر تنها میان دو کشور دریای خزر یعنی ایران و شوروی سابق مشترک بود. با فروپاشی شوروی اکنون پنج جمهوری آسیای مرکزی مرزهای آبی مشترکی با هم دارند و مدعی میادین نفت و گاز آن در دریا می‌باشند. در این زمینه هنوز هیچ توافق نهایی حاصل نشده است. طبق گفته یوری آونری^۱ انتظار می‌رود تا سال ۲۰۱۰ این منطقه ۳/۲ میلیارد بشکه نفت خام در سال به اضافه ۴۸۵۰ فوت مکعب گاز طبیعی در سال استخراج کند.^(۴) اما انتخاب‌ها و راه‌های ممکن خط لوله‌ها هنوز مورد بحث و بررسی است و نتیجه قطعی تاکنون حاصل نشده است. مفهوم سناریوی پس از طالبان در عمل، استقرار نظامیان آمریکایی در تاجیکستان و قرقیزستان و فراهم نمودن تسهیلات نظامی در ازبکستان و قزاقستان بوده است.

ترکمنستان و آذربایجان نیز دارای ذخایر نفت و گاز هستند و لذا علاقمند به بازار فروش مطمئنی برای ثروت نفتی خود می‌باشند در حالی که به نظر می‌رسد آمریکا و روسیه کمتر مایل به راه‌های شرقی می‌باشند و در مقابل راه‌های غربی از دریای سیاه و ترکیه را ترجیح می‌دهند. در حال حاضر به نظر می‌رسد ممکن‌ترین راه، راه جنوبی باشد که از ایران عبور می‌کند اما این انتخاب به دلیل روابط تیره ایران و آمریکا قابل قبول نخواهد بود. زمانی راه شرقی از افغانستان و غرب بلوچستان که به سوی خلیج فارس امتداد می‌یافت مورد توجه قرار داشت. پاکستان برای سود بردن از نزدیکی با این منطقه از هر سه پروژه صدور گاز از ترکمنستان، ایران و قطر استقبال می‌کند. کوتاهترین راه برای میدان نفتی آبشوران^۲ در ترکمنستان از کریدور جنوب یعنی از ایران است، بهترین انتخاب بعدی از کریدور شرقی از قزاقستان و بعد از بندر نوواراسیسک روسیه در

1. Uri Avnery

2. Apsheron Trend

دریای سیاه است. ایالات متحده آمریکا مایل به استفاده از کریدور غربی یعنی از ترکیه است که تقریباً ۱۰۳۸ کیلومتر می‌شود. انتخاب راه باکو (آذربایجان) - تفلیس (گرجستان) - جیحان (ترکیه) که برای منزوی ساختن و کنار گذاشتن ایران و روسیه بود تقریباً ۲/۹ میلیارد دلار برآورد می‌شد و در ژوئن ۲۰۰۲ تکمیل گردید. انتظار می‌رود از این طرح در اوایل سال ۲۰۰۵ با ظرفیت یک میلیون بشکه در روز بهره‌برداری شود.^(۵)

طرح خط لوله گاز ترکمنستان - افغانستان - پاکستان (TAP)

پاکستان و افغانستان برای احیای طرح خط لوله گاز ماورای افغانستان از ترکمنستان به پاکستان توافق کردند. این «پروژه بزرگ سیاسی» که از میادین نفتی دولت آباد - دومز^۱ در شرق ترکمنستان سرچشمه می‌گیرد شامل ساخت این خط لوله پیشنهادی است که از قندهار در افغانستان به مولتان^۲ در جنوب پنجاب می‌رسد. خط لوله پیشنهادی ترکمنستان - افغانستان - پاکستان طرح ۱۷۰۰ کیلومتری است که سالانه تا ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی مصرف‌کنندگان در پاکستان و احتمالاً هند را تأمین می‌کند.^(۶) این مستقیم‌ترین، کوتاه‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه در کریدور جنوب است که از افغانستان به پاکستان می‌رود.

در اواخر دهه ۱۹۹۰ کنسرسیومی به ریاست شرکت آمریکایی یونوکال^۳، اساساً با ساخت این خط لوله با هزینه تقریبی ۱/۹ میلیارد دلار از شرق ترکمنستان با ذخایر نفتی صد تریلیون فوت مکعب گاز که در حدود نیمی از کل گاز موجود این کشور است موافقت کرد. اما به دنبال حملات موشکی اوت ۱۹۹۸ آمریکا علیه رژیم طالبان در افغانستان در زمان کلینتون این طرح به بعد موکول شد.

طرح این خط لوله شامل سه مرحله است: در مرحله اول خط لوله گاز به مولتان^۴ و

1. Domez

2. Multan

3. UNOCAL

4. Multan

پاکستان می‌رسد. در مرحله دوم به گوآدار^۱ در شرق بلوچستان امتداد می‌یابد تا گاز مایع شده را به ژاپن و کشورهای خاور دور صادر کند. مرحله سوم شامل امتداد به سمت هند خواهد بود. براساس این طرح، این خط لوله تقریباً ۷۴۰ کیلومتری که از شمال افغانستان^(۷) عبور می‌کند، ۲ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت و سالانه ۳۰ میلیارد متر مکعب گاز را به پاکستان منتقل می‌نماید.^(۸) چنانچه این طرح تکمیل گردد به سود سه کشور خواهد بود.

برآورد می‌شود ترکمنستان، که گاهی آن را «کویت آسیای مرکزی» می‌نامند ذخایر گازی معادل ۲۰۰ تریلیون فوت مکعب داشته باشد، هرچند که این آمار به ۹۸ تا ۱۱۵ تریلیون فوت مکعب کاهش یافته است. این ایده و فکر اصلی خط لوله گاز در ۱۹۹۱ به حالت تعلیق درآمد و پس از آن یادداشت تفاهم‌های بسیاری به امضا رسید که به علت بی‌ثباتی در افغانستان مفید فایده واقع نشد.

افغانستان از این خط لوله پیشنهادی ۱۲ درصد سود خواهد برد و یا مبلغ پانصد میلیون دلار به عنوان حق مالکیت خواهد گرفت. علاوه بر آن می‌تواند ۱۲ تا ۱۴ هزار شغل ایجاد نماید. پاکستان نیز مبلغی در حدود پانصد میلیون دلار به عنوان حق مالکیت خواهد گرفت.^(۹)

پاکستان در ۵ سال آینده کاهش در حدود ۵۰۰ میلیون فوت مکعب در روز خواهد داشت. گرچه ذخایر گازی تثبیت شده آن ۱۲۱ تریلیون فوت مکعب برآورد می‌شود، هزینه سرمایه‌گسترش آن در شرایط فعلی ممکن نیست. در هر حال بانک توسعه آسیایی^۲ به‌طور جدی بر این عقیده است که پاکستان پس از ۱۲ تا ۱۵ سال با کاهش تولید و مصرف گاز مواجه خواهد شد.^(۱۰) این امر احتمال پیوستن یا عدم پیوستن هند به این طرح را هم به‌دنبال خواهد داشت. همچنین طرح‌های امنیت فراملی و تسهیلات ذخیره و انبار نیز مورد مطالعه و بررسی قرار داد چراکه این طرح خط لوله ناگزیر به عبور از افغانستان بی‌ثبات و درگیر در جنگ است.^(۱۱)

صفر مراد نیازاف، رئیس جمهور پیشین ترکمنستان از شرکت نفتی روسی گازپروم^۱ برای شرکت در این طرح دعوت کرد. در ۱۹۹۶ این شرکت خرید ۱۵ درصد سهام این خط لوله را پذیرفت اما پس از آن تصمیم گرفت تا از آن کناره گیری کند.

پس از تأسیس سازمان همکاری اقتصادی^۲ در ۱۹۸۵ و گسترش آن در ۱۹۹۲ با عضویت اعضای جدید امیدهایی برای ائتلاف منطقه‌ای در مرکز و غرب آسیا و از جمله پاکستان بوجود آمد. تا آن زمان که اجلاس سوم در ۱۹۹۵ در اسلام‌آباد تشکیل شد پاکستان تمامی توافقاتنامه‌ها را امضاء کرد در حالی که اجلاس‌های بعدی سازمان همکاری اقتصادی حاکی از فقدان همبستگی در منطقه بود.

جمهوری‌های آسیای مرکزی برای حمایت‌های فنی و مالی چشم به غرب دارند در حالی که برای امنیت و رفاه اقتصادی هنوز به روسیه وابسته‌اند. ایران، یکی دیگر از اعضای بنیانگذار سازمان همکاری اقتصادی، که در سالهای اخیر کوشیده است تا سیاست نه شرق و نه غرب را دنبال کند. پس از جنگ عراق روابطش با آمریکا بسیار تیره شد. ترکیه، همسایه ایران، همیشه چشم به سوی غرب داشت چرا که بخش غربی آن از نظر جغرافیایی در اروپا قرار دارد. ترکیه بسیار مایل است تا در اتحادیه اروپا پذیرفته شود و در حال حاضر بزرگترین کشور کمک‌کننده به نیروهای ناتو محسوب می‌شود.

افغانستان و تاجیکستان هر دو کشورهایی فقیر و قربانی درگیری‌ها و مناقشات برادرکشی هستند. افغانستان در گیرودار جنگ سالاری است و تاجیکستان با عواقب و حوادث پس از جنگ داخلی رویارویی می‌کند. خلاصه مطلب آنکه ده عضو شورای همکاری اقتصادی با وجود آنکه از نظر بزرگی و اندازه با اروپا برابری می‌کنند اما به دلیل منافع ملی ضدونقیض در مورد مسائل عمده‌ای با هم اختلاف دارند.

بنابراین ایجاد هماهنگی میان اعضای سازمان همکاری اقتصادی ضرورت بسیاری دارد.

1. Gazprom

2 (ECO)

همچنین آغاز اقدامات اعتمادسازی، مروری دوباره بر منشور سازمان همکاری اقتصادی و بازسازی زیرساخت ارتباطی، بسیاری ضروری است. بنادر کراچی و گوآدار^۱ بسیار نزدیکتر از مثلاً ولادیوستک در روسیه و برخی بنادر در دریای سیاه است.

حذف تعرفه‌ها و موانع تجاری، تسهیل محدودیتهای سفر و دستیابی به فن‌آوری نوین برای تقویت همکاری بیشتر، ابزارهای احتمالی دیگری برای آن است که سازمان همکاری اقتصادی را تقویت و تحکیم نماید.

مشرف، رئیس جمهور پاکستان در پاسخ به دیدار حمید کرزای از پاکستان در فوریه سال ۲۰۰۲، در آوریل همان سال دیدار متقابلی از افغانستان به عمل آورد. این دیدار اولین دیدار یک مقام خارجی از افغانستان پس از طالبان بود. در این دیدار، توافقی برای برقراری یک کمیسیون مشترک وزارتی به منظور ارتقای تجارت، فعالیت اقتصادی و هماهنگی در بازسازی‌ها در افغانستان به امضا رسید. همچنین تجدید پیمان دو طرف برای مبارزه با تروریسم و آغاز آمد و شد میان دو کشور تأکید گردید و مبلغ ۱۰ میلیون دلار به عنوان بخشی از کمک صد میلیون دلاری برای اهداف بازسازی به دولت افغانستان هدیه شد. (۱۲)

بانک توسعه آسیایی کمک ۲۰۰ میلیون دلاری، شامل کمکهای ویژه برای طرح‌های بازدهی سریع در کشاورزی، ساختار نهادها و طرحهای آزمایشی برای مناطق دارای اولویت بالا به ویژه برای مناطق مستعد و در معرض زلزله، راه‌هایی برای دستیابی آسان به روستاها، مطالب و مواد آموزشی برای مدارس، سیستم‌های آبیاری و ظرفیت سازی در درون دولت را پیشنهاد کرده است.

پاکستان می‌تواند از نظر نیروی انسانی، نسبت به اعزام آموزگار، مهندس، آرشیتکت، کارگر ساختمانی، پزشک و دیگر نیروهای انسانی تربیت شده برای بازسازی ویرانی‌های افغانستان پس از دو تهاجم بزرگ خارجی و دهه‌های متمادی جنگ اقدام نماید.

1. Gwadar

ترکیه نیز به عنوان یک عضو سازمان همکاری اقتصادی مایل به انجام برخی پروژه‌های مشترک است. این کشور پیشنهاد کرد تا ریاست اولین نیروهای حافظ صلح را پس از رژیم طالبان به عهده گیرد. ترکیه همچنین فرصتهایی را برای صدور سیمان، فولاد و آجر دارا می‌باشد و می‌تواند به فروش کالاهایی نظیر روغن گیاهی، شکر، گندم، برنج، کود، دارو، مواد پلاستیکی، کالاهای الکترونیکی، پوشاک، ظروف سفالی و دیگر کالاهای مصرفی که در افغانستان کم است، بپردازد. پاکستان می‌تواند آموزش مردم افغانستان به ویژه در بخش‌های شهری و آموزش افسران پلیس افغان را متعهد شود. اداره ترویج صادرات پاکستان پیشنهاد کرده تا سرمایه‌ای در حدود ۷۰ میلیون روپیه از سوی دولت برای تأمین ضمانت‌های بانکی و سایر ضمانت‌های لازم برای شروع کار ساختمانی توسط یک شرکت تأمین شود.^(۱۳) سمینارها و نمایشگاه‌های بین‌المللی برای نمایش کالاهای ساختمانی و انجام خدمات برای جذب شرکت‌های خارجی برگزار خواهد شد. موضوعات اصلی برای ارائه در نمایشگاه‌ها شامل، سیمان، آهن، فولاد، کاشی، شیشه، سرامیک، آلومینیوم، پلاستیک و رنگ است. یکی از بزرگترین پایگاه‌های صنعت اوراق کشتی در پاکستان نیاز به توسعه بیشتر دارد. تأکید بیشتر بر بخش خصوصی و بازاریابی حرفه‌ای، برای استفاده و بهره‌برداری از وضعیت موجود برای منافع بیشتر، ضروری است. ایجاد بانک‌ها و بخش‌های بیمه، ارتقای تجارت و ساخت انبارهای ضمانت شده نه فقط برای تأمین نیازهای غذایی بلکه برای دستیابی به پتانسیل‌های بازار آسیای مرکزی از پیشاور و کوپته ضروری است.^(۱۴)

دولت پاکستان همچنین گام‌هایی را برای ممانعت از ورود مجدد کالاها از راه زمینی به پاکستان که پس از کاستن مالیات از آنها به افغانستان صادر شده برداشته است. همچنین مجوز ترانزیت تجاری به افغانستان را از شش نقطه دیگر در طول مرز پاکستان - افغانستان صادر کرده‌است.

بندر گوآدار: ارتباط سین کیانگ و جمهوری‌های آسیای مرکز از راه پاکستان

استان غنی از منابع بلوچستان، که در غرب پاکستان و در جوار افغانستان و ایران قرار دارد از نظر ویژگی‌های نقشه‌کشی و جغرافیایی با آسیای مرکزی مشترکات زیادی دارد. بلوچستان به عنوان یک استان کم توسعه یافته در پاکستان، بزرگترین استان از نظر مساحت (۵۵ درصد) و کم جمعیت‌ترین (تقریباً ۷ میلیون نفر از کل جمعیت ۱۴۰ میلیون نفری) آن است. در این اواخر بلوچستان که در گذشته استانی فراموش شده بود از سوی دولت مشرف مورد توجه روزافزونی قرار گرفته است. به عنوان مثال اکنون دارای ۵ فرودگاه با پروازهای متعدد در طول هفته از ساحل مکران به سایر نقاط کشور و خلیج فارس است. ارتش در حال ساخت سه اردوگاه می‌باشد تا از منطقه ایلیات نشینی که در دو سال گذشته آشکارا و به طور مکرر از سوی رهبرانی که خواهان پیشرفت در این منطقه نیستند مورد حمله تروریستی قرار گرفته بود، محافظت نماید. (۱۵)

همکاری مشترک چین و پاکستان در ساخت بندر گوآدار در ساحل مکران در غرب بلوچستان و در طول خلیج فارس و دریای عمان هنگامی که تکمیل و به اجرا درآید اثرات مثبت فراوانی برای دو کشور دارد. جمهوری مسلمان نیمه خودمختار سین کیانگ در شمال غربی چین که قبلاً به نام «مشرق ترکستان» نامیده می‌شد در مجاورت جمهوری‌های آسیای مرکزی و بخصوص قزاقستان و قرقیزستان قرار دارد.

چین یکی از کشورهایی است که برای نفوذ در آسیای مرکزی بخصوص برای بازرگانی و فرصت‌های تجاری رقابت می‌کند. از زمان شروع «چهارمین برنامه‌نوسازی» در سال ۱۹۷۸، این کشور تأکید گسترده‌ای بر پیشرفت نوسازی داشته است. تجارت آن با جهان خارج افزایشی چند برابر داشته و رشد تولید ناخالص داخلی آن چشمگیر بوده است. به دلیل سیاست‌های دوستانه در امر سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، حجم تبادلات تجاری آن نیز افزایش یافته است. چین با تقریباً ۳۵ درصد سهم از تجارت بین‌الملل، کشوری پیشرو در تولیدات نساجی

است و به یک پنجم از صنعت پوشاک جهان کمک می‌کند. صادرات پوشاک آن در سال ۲۰۰۱ به حدود ۳۶/۱ میلیارد دلار افزایش یافت که تقریباً ۵۰ برابر سال ۱۹۷۸ بود. (۱۶)

در واقع منطقه ساحلی شرق چین، مرکز و قطب فعالیت اقتصادی آن است. منطقه شمال غربی سین‌کیانگ با توسعه نیافتگی اقتصادی روبرو است و برای رفع هرگونه شکل بالقوه ضروری است تا این منطقه در معرض توسعه پایدار قرار گیرد.

ساخت بزرگراه شمالی قره‌قروم در اواخر دهه ۱۹۷۰ و ارتباط با سین‌کیانگ اهمیت بسزایی در روابط دوستی چین و پاکستان دارد. چینی‌ها سوابق خوب بسیاری از تکمیل طرح‌های عمده در کشورهای دوست دارند. چین می‌خواهد استان‌های غربی خود را که شامل ۷۱ درصد مساحت منطقه و ۲۸/۴ درصد جمعیت آن است توسعه دهد. در حدود ۷ درصد از اقلیتهای آن در منطقه تحت سلطه هان قرار دارند. (۱۷)

به همین منظور چین ۹۰ میلیارد دلار برای توسعه مناطق غربی و مرکزی غربی خود اختصاص داده است. سال گذشته ۲۰۰ میلیارد دلار برای توسعه زیرساخت در منطقه غربی تعیین گردید. نقطه جنوبی استان سین‌کیانگ چین که ۴۵۰۰ کیلومتر تا سواحل شرقی چین فاصله دارد، تنها ۲۰۰۵ کیلومتر از پاکستان و بنادر خلیج فارس دور است. این امر آن را راهی آسان و کم هزینه برای تجارت (صادرات و واردات) از طریق بنادری چون گوآدار در پاکستان که در همسایگی خلیج فارس، آفریقا، آسیای مرکزی و حتی اروپا است، می‌سازد.

برای اینکه بندر گوآدار به یک مرکز بزرگ بازرگانی تبدیل شود، توسعه تورسم، ارتقای صنایع محلی مانند صیادی، کشتی‌سازی و صنایع دریایی و آبی ضروری است. برای این منظور ابتدا شرایط و وضعیت در افغانستان باید به حالت عادی درآید. در حال حاضر نقل و انتقال کالا از بلوچستان و بخصوص صادرات مواد معدنی و میوه‌های خشک از راه ترانزیت افغانستان بهتر صورت می‌گیرد. علاوه بر آن بندر دریایی گوآدار می‌تواند به عنوان تسریع‌کننده‌ای در امر توسعه و انتقال این منطقه عقب مانده، از ساختاری عشیره‌ای به ساختار قرن بیست و یکم، عمل کند.

تاریخ توسعه ملل نشان داده است که تجارت بین‌المللی از طریق دریا، که ارزان‌ترین وسیله حمل و نقل است، سرمایه‌های برای توسعه پایدار و سریع بسیاری از کشورهای خاور دور و بخصوص کشورهای دریایی چون ژاپن، هنگ‌کنگ، سنگاپور و تایوان است. منطقه ساحلی بلوچستان با پیوستن به بندر گوآدار، با ساخت بزرگراه ساحلی ۷۰۰ کیلومتری که از شرق به بندر جوانی^۱ و از غرب تا نزدیک مرز ایران متصل می‌شود، دچار تحولات اقتصادی بزرگی می‌گردد. اداره ملی بزرگراه‌ها و سازمان امور مرزی هر دو، مسئولیت ساخت این جاده را به عهده دارند که در نهایت گوآدار را با سایر جهان، از جمله جمهوری‌های آسیای مرکزی مرتبط می‌سازد، مشروط بر آن که افغانستان وضعیت عادی پیدا کند.

ایجاد راه آهن ارتباطی با گوآدار به تفتان در ایران از طریق سیندک^۲ که جایگاه مس و طلا است نیز در دست اقدام است. راهی که از گوآدار به سیندک می‌آید و به موازات مرز ایران و پاکستان است، کوتاهترین راه برای رسیدن به آسیای مرکزی از آبهای گرم خلیج فارس است. بزرگراه طولانی دیگر ۵۱۵ کیلومتری که گوآدار را از طریق پنجپور^۳، خان^۴، چاگی^۵ و ربات^۶ تا هرات در شرق افغانستان متصل می‌سازد در این طرح قرار دارد که پاکستان را به طور مستقیم از طریق جاده به جمهوری‌های آسیای مرکزی متصل می‌سازد. طرح توسعه ذکر شده در بالا در بلوچستان می‌تواند به شکل معناداری همکاری جمهوری‌های آسیای مرکزی با افغانستان را در قالب سازمان همکاری اقتصادی تسهیل نماید و راههای بیشتری را برای همکاری با این جمهوری‌ها باز کند. چنانچه بندر گوآدار و دیگر زیرساختهای مرتبط با آن تکمیل گردد می‌تواند به شکوفایی بازسازی اقتصادی افغانستان و ایجاد روزه‌های برای صادرات به افغانستان به عنوان یک کشور محصور در خشکی کمک کند. به علاوه تسهیلات بندری گوآدار می‌تواند تسهیلات ذخیره و انبار کالا را برای ترانزیت، واردات و صادرات کالا در افغانستان، چین و جمهوری‌های آسیای مرکزی فراهم نماید.

1. Jiwani
3. Panjgur
5. Chagi

2. Saindak
4. Khann
6. Rabat

پیشنهادات سیاسی و نگرش‌های آتی

همانطور که گفته شد پاکستان برای پیشبرد و بهبود ارتباط با جمهوری‌های آسیای مرکزی باید کارهایی سیاسی و اقتصادی جدی را در داخل کشور انجام دهد. از زمانی که این جمهوری‌ها در سال ۱۹۹۲ به استقلال رسیدند جریان‌های بسیاری میان آنها برقرار گردیده است. پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به واشنگتن و نیویورک، ارتباطات میان پاکستان و طالبان بسیار تیره گردید. در دوران حاکمیت نظامی ژنرال پرویز مشرف امیدهایی برای اصلاح تصویر پاکستان در آستانه ائتلاف دوباره پاکستان با آمریکا در جنگ علیه تروریسم بین‌الملل پدیدار شد.

در مارس ۲۰۰۴ آمریکا عنوان «متحد بزرگ غیر ناتو» را به پاکستان اختصاص داد. گرچه نقش دیرینه پاکستان در ایجاد، پرورش و به رسمیت شناختن رژیم طالبان را نمی‌توان انکار کرد و یا به آسانی از اذهان پاک نمود اما روابط استراتژیک آمریکا و پاکستان حداقل تا زمانی که تهدید طالبان و القاعده در منطقه همچنان به قوت خود باقی است بسیار اساسی و عمده است.

دولت پاکستان تلاش‌هایی را برای مبارزه با شبه نظامیان طرفدار طالبان و عناصر جدایی طلب آغاز کرده است، هرچند که دولت آمریکا این تلاش‌ها را گاهی تلاشهایی از روی بی‌علاقگی و تردید آمیز قلمداد می‌کند. در هر حال رژیم مشرف مسئول ظهور و پا گرفتن دو حزب مذهبی - سیاسی به نام مجلس متحد عمل است که پس از تحریم دو حزب سیاسی عمده مردم و حزب مسلم لیگ جناح نواز شریف اکنون بر دو استان مرزی ایالت سرحد شمالی و بلوچستان مسلط است. عملیات نظامی آمریکا با نام «چکش و سندان» در مارس ۲۰۰۴ برای مقابله با عناصر القاعده و طالبان در منطقه آشفته جنوب و جنوب شرقی افغانستان آغاز شد. همزمان با آن ارتش پاکستان عملیاتی را در منطقه کمربندی ایلیاتی جنوب وزیرستان^۱ در مرز پاکتیکای افغانستان اجرا کرد. تمامی این مرزها، ناهموار طولانی و دارای راه‌های نفوذی زیادی است که دستیابی به اهداف ارزشمند را دشوار می‌ساخت.

1. Waziristan

اما چهار عملیات نظامی دولت در وانا^۱، جنوب وزیرستان و اطراف آن (که آخرین آن در ژوئن ۲۰۰۴ بود) نتوانست منطقه را به طور کامل از عناصر خارجی پاک کند. اقدامات نظامی در حقیقت بخشهای فاتا و ایالت سرحد شمال غربی را مجزا کرد چرا که استنباط این بود که این اقدامات به دستور و فرمان آمریکا، توسط دولت مشرف انجام می شود. ارتش پاکستان همزمان طرحهای توسعه‌ای را در مناطق کمربندی ایللیاتی آغاز کرد و این مناطق را باز گذاشت تا با سایر کشور یکپارچه نماید. برای مشاهده موفقیت این تلاش‌ها هنوز باید انتظار کشید چرا که این منطقه با هرگونه تغییر و تحولی مقاومت می کند و دیگر اینکه در نزدیکی افغانستان قرار دارد. علاوه بر آن مردم این منطقه نسبت به هم طایفه‌ای‌های خود در آن سوی مرز وفادارتر از هموطنان خود در پاکستان هستند. نادیده گرفتن آنها و غفلت از آنان از جانب دولت پاکستان این امکان را برای این مناطق فراهم کرد تا سرزمین موعودی برای جرم و جنایت، خشونت، مواد مخدر و بسیج نیرو برای جهادی‌ها باشد. گرچه عملیات نظامی تا حدودی موفق بوده و در حدود ۷۰ هزار نیرو در آنجا مستقر مانده است اما پاکستان با تهدیدات بیشتر دیگری از مرزهای غربی خود مواجه است تا تهدیدات دیرینه از شرق یعنی از هند.

در برخی نوشته‌ها از اقتصاددان معروف شاهد بورکی^۲ نقل کرده اند که گفته بود پاکستان از جنوب آسیا، به غرب و آسیای مرکزی پناه می برد. او ارتباطات منطقه‌ای بیشتر کشورهای اسلامی در غرب آسیا را پیشنهاد کرده بود که اولین گام آن تشکیل بلوک منطقه‌ای اقتصادی و تجاری شامل هفت بخش افغانستان، قزاقستان، قرقیزستان، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان بود.^(۱۸)

در این ترکیب‌بندی، جمعیت این قلمرو کوچک تقریباً ۲۲۳ میلیون نفری، تولید ناخالص داخلی ۱۱۴ میلیارد دلاری و درآمد سرانه ۵۱۲ دلاری دارد.^(۱۹) از آنجاکه جمهوری‌های آسیای مرکزی نیازمند صادرات منابع عظیم نفتی و معادن مورد بهره‌برداری خود هستند، نقش افغانستان و پاکستان به عنوان کشورهای ترانزیت بسیار مهم است. زیرا تنها این

1. Wana

2. Shahid Burki

منابع هیدروکربنی نیست که مورد بهره‌برداری و توسعه قرار می‌گیرد بلکه پتانسیل‌ها و ظرفیتهای کشاورزی نیز مطرح هستند. از سوی دیگر کانوار ادیس^۱ این طور بحث می‌کند که پاکستان از نظر جغرافیایی و فرهنگی متعلق به جنوب آسیا است و نه آسیای مرکزی.^(۲۰) از این نظر پاکستان در گذشته با پیوستن به سازمان پیمان مرکزی، سنتو و پیمان سیتو و تا حدودی با پیوستن به سازمان همکاری اقتصادی و سازمان کنفرانس اسلامی برای ارتباطات منطقه‌ای گوناگونی با شرق و غرب می‌کوشید. به عقیده او پاکستان انتخاب و امکان دیگری به غیر از کارکردن با اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای جنوب شرقی آسیا، سارک و تبدیل آن به آسه‌آن دیگری ندارد.^(۲۱) علاوه بر آن او بر مشکلات دیگری که پاکستان با آن روبرو است تأکید می‌کند که از آن جمله ایده پیوستن به «امت» اسلامی است که هرچند بدون تردید ایده خاصی است اما با توجه به این نکته که تقریباً نیمی از این «امت» در پاکستان، هند و بنگلادش زندگی می‌کنند این امر غیرواقعی به نظر می‌رسد.^(۲۲) همچنین بروز احساس و هیجانات «امت» همانطور که در سرکوب مسلمانان در چین، بوسنی، کشمیر و فلسطین مشاهده شد، به استثنای برانگیخته شدن خشم و غضب و ابراز همدردی طنین دیگری ندارد. سیاست واقعی چنین حکم می‌کند که قدرتهای بزرگ نظیر آمریکا، روسیه و اروپا با داشتن نزدیکی و ارتباطات سیاسی و نظامی احتمالاً می‌گذارند تا آسیای مرکزی نامتجانس و متمرده، در این مخمصه و گرفتاری فعلی، خود ثروت نفتی خود را کنترل نماید. این حضور قدرتهای بزرگ مانع از آن می‌شود که چین، پاکستان و ایران در این ثروت سهیم شوند. در حالی که پتانسیل‌های موجود برای تجارت و سرمایه‌گذاری با افغانستان و جمهوری‌های آسیای مرکزی مطرح هستند سئوالی که همچنان باقی است این است که چه وقت وضعیت عادی، اگر نگوییم صلح، به افغانستان ناآرام باز خواهد گشت.

برخی ناظران مقاومت اخیر گروه‌های القاعده و طالبان در جنوب و شرق افغانستان و در مرز پاکستان را چیزی بدیمن می‌دانند که ممکن است حضور آن تا مدتی ادامه یابد. منطقه‌ای که افغانستان را از طریق خست^۲ به پاکستان ارتباط می‌دهد به عنوان «منطقه خطرناکی» توصیف

1. Kunwar Idris

2. Khost

شده است که از سلاح اشباع شده و صحنه مبارزه میان جنگ طلبان رقیب است. هرچند که سنت جنگ سالاری و نبودن قدرت و اختیار مرکزی در گذشته در افغانستان وجود داشت اما در دوران حکومت ظاهرشاه این جنگ سالاری تابع وفاداری و متابعت از وی بود. تأمین جنگ افزارها و سرمایه برای این جنگ سالاری با حمایت آمریکا انجام می شد تا پاکستان و بسیاری از کشورهای عرب را در دهه ۱۹۸۰ به مقاومت در مقابل مهاجمان شوروی سوق دهد. پس از ۱۱ سپتامبر برخی از این جنگ طلبی ها مستقیماً با حمایت آمریکا برای مقابله با عناصر القاعده و طالبان بود. این کار آنها را قدرتمندتر و مستقل از کنترل دولت کرزای کرد که گاهی به شکل اهانت آمیزی به عنوان «شهردار کابل» توصیف می شد.

افزایش کشت خشخاش که در رژیم طالبان تحریم شده بود اکنون تقریباً ۱/۲ تا نیمی از تولید ناخالص داخلی کشور را تشکیل می دهد و سرمایه لازم برای خرید انواع سلاح از دلان بین المللی تسلیحات را فراهم می کند. برخی از افراد جنگ طلب به سلاح هایی دسترسی دارند که در انبارهای بزرگ مهمات ذخیره شده بود که نیروهای شوروی در حال عقب نشینی آنها را به همان حال رها کرده بودند.

نیروی بین المللی کمک به امنیت افغانستان (ایساف^۱) تحت رهبری ناتو، شامل ۱۸ کشور است. افغانستان اولین محل استقرار ناتو در خارج از اروپا در اوت سال ۲۰۰۳ بود. نیروهای حافظ صلح اغلب در کابل ماندند. پیشروی نیروی پلیس و ارتش ملی چالش دشواری است زیرا وفاداران به جنگ سالاری عمیقاً در مواضع خود سنگر گرفته اند. تقریباً نزدیک به ۶۰ درصد شبه نظامیان باید خلع سلاح شوند و این تعداد افراد مسلح در حدود ۴۰ هزار نفر هستند. (۲۳) تشکیل پلیس و ارتش ملی نیازمند وقت و تلاش است تا بتوان آن را به یک نیروی منظم و به هم پیوسته توسعه داد.

در اجلاس اخیر استانبول در ۲۸ ژوئن ۲۰۰۴ این اتحاد ۲۶ عضوی متعهد شد تا نیروهای حافظ صلح را از نیروهای ۶۵۰۰ نفری فعلی که ناکافی به نظر می رسد به ده هزار نفر افزایش دهد.

1. ISAF

آلمان و پس از آن کانادا بیشترین کمک‌ها را می‌کنند اما از سوی آمریکا کمکی نمی‌شود. با این حال تقریباً بیست هزار نیروی آمریکایی سرگرم پاک کردن استان‌های جنوبی و جنوب شرقی افغانستان از عناصر شورشی طالبان در طول مرز پاکستان - افغانستان هستند. انجام این کار بسیار ضروری بود چرا که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در نوامبر ۲۰۰۴ انجام می‌شد.

ایساف همچنین سرپرستی چهار تیم بازسازی استانی شامل وظایف امنیتی و غیرنظامی را به عهده می‌گیرد. متأسفانه با وجود درخواست‌های حامد کرزای اعزام نیرو از کشورهای ناتو دنبال نمی‌شود و در این جریان فرانسه و آلمان مخالف استقرار ناتو در افغانستان هستند. کشورهای عضو از این موضوع ابراز نارضایتی می‌کنند که تاکنون به اندازه کافی تا عراق و بالکان پیشروی کرده‌اند.

در حالی که ناتو نیروهای بسیاری را در عراق، کوزوو و بوسنی و سایر نقاط تعهد کرده اما علاقه و توجه چندانی به افغانستان نشان نداده است. نیروهای مستقر در عراق تقریباً هشت برابر بیشتر هستند و این آشکارا به دلیل منابع طبیعی در عراق است در حالی که افغانستان یکی از فقیرترین کشورهای جهان است که منابع طبیعی چندانی ندارد. در کوزوو، منطقه‌ای که یک‌دهم اندازه افغانستان است تقریباً ۴۰ هزار نیروی حافظ صلح مستقر هستند.

دولت آمریکا و سایر منابع اغلب اخطارها و هشدارهای پیچیده‌ای در خصوص نقش پاکستان می‌دهند. در حالی که ژنرال جان ابی زید رئیس سنک‌توم^۱ آمریکا، اغلب از پاکستان دیدار کرده و از تلاش‌های اخیر در عملیات نظامی فاتا علیه عناصر القاعده و طالبان قدردانی نموده است اما سفیر آمریکا در کابل به نام زالمای خلیل زاد^۲ اغلب از پاکستان ابراز ناخرسندی می‌کند که به اندازه کافی کمک نکرده است. او اخیراً پاکستان را متهم کرد که شبه نظامیان تحت رهبری طالبان هنوز عملیاتی را از «بهشت امن» در پاکستان علیه آمریکا و نیروهای افغان ادامه می‌دهند. (۲۴)

1. Centcom

2. Zalmay Khalilzad

مسئله دیگر اکثریت پختون^۱ هستند. سلطه ناعادلانه این گروه در اتحاد شمالی مسئله‌ای آزاردهنده است. ظاهر شاه رئیس پیشین دولت افغانستان پس از سه دهه تبعید در آوریل ۲۰۰۴ بازگشت. «جمعیت^۲»، حزب قدرتمند در دولت کرزای، بشدت مخالف حکومت پادشاهی است، هرچند که شاه سابق خواستار پادشاهی نبود و فقط می‌خواست به عنوان «پدر کشور و مردم» آنها را متحد و یکپارچه کند و خدمتی کرده باشد. پس از لویی جرگه^۳ و تصویب قانون اساسی در ژوئن ۲۰۰۳ تدارکات انتخابات «اکتبر ۲۰۰۴» فراهم شد. تقریباً از ۱/۶ میلیون افغانی ۸ میلیون در انتخابات شرکت کردند و با وجود مخالفت عناصر طالبان، زنان علاقه زیادی به شرکت در انتخابات از خود نشان دادند.

در حال حاضر به نظر می‌رسد آمریکا برای مدتی طولانی و برای رسیدن به نتیجه‌ای بزرگ در خلیج فارس و افغانستان بماند. تا زمانی که شبکه اسامه بن لادن و طالبان کاملاً خلع ید نشده‌اند، روابط آمریکا و پاکستان در کشاکش خواهد بود اما به گفته استفان کوهن^۴ حمایت آمریکا از مشرف تنها «یک توافق و قرار و مدار کوتاه مدت» است و دولت جدید در آمریکا تغییر زیادی در سیاستهای آمریکا نخواهد داد.^(۲۵) بدتر آن که اگر آمریکا تصمیم به خروج سریع بگیرد احتمال تجزیه افغانستان به مناطق نیمه خودمختار تحت سلطه جنگ‌طلبان منطقه‌ای، وجود خواهد داشت.

برخی رهبران و تحلیل‌گران آمریکایی به طرح بازسازی از نوع مارشال برای افغانستان اشاره کرده‌اند. به نظر می‌رسد این ایده‌ای آرمان‌گرایانه است. زیرا اول آنکه افغانستان اروپا نیست و با هیچ رابطه انگلوساکسونی وابسته به غرب نیست. افغانستان یکی از عقب‌مانده‌ترین و متمدن‌ترین کشورها در جهان است که در برابر هرگونه تغییری مقاومت می‌کند. از درون قلمرو و خاک افغانستان اعمال تروریستی بی‌سابقه‌ای علیه سرزمین آمریکا آغاز شد که آمریکا را بر آن داشت تا اعمال تلافی‌جویانه نظامی علیه آن انجام دهد. علاوه بر آن توجه کوتاه مدت غرب و

1. Pukhtun
3. Loya Jirga

2. Jamiat
4. Stephen P. Cohen

نشانه‌های فرسایش کمکه‌های مالی در آن آشکار است. آمریکا و متحدینش در طی سه سال گذشته سرگرم تعقیب و جستجوی بقایا و عناصر بجا مانده طالبان و القاعده در مناطق جنوب و جنوب شرق افغانستان بوده‌اند که این منطقه کمربندی و قبیله‌ای در مجاورت پاکستان «غرب وحشی» دیگری نام دارد و مامن و بهشتی برای این عناصر است.^(۲۶) تنها در صورتی شانس برقراری آرامش، امکان بازسازی و سرمایه‌گذاری وجود خواهد داشت که جنگ طالبان تحت کنترل قرار بگیرند، خلق سلاح و خلع ید شوند و نیز پلیس و ارتش ملی شکل گیرد. به همین دلیل است که اکنون ناتو می‌خواهد تا تعداد نیروهای حافظ صلح ایساف را تقویت نماید.

نقش هند چیست؟ خلع هند از رژیم طالبان، تفکیک آن از پاکستان و استقرار دولت اتحاد شمالی با تعداد قابل توجهی از پنجشیری‌ها را مورد استقبال قرار داد. اما به علت عدم نزدیکی و سرمایه کافی و نیز نفوذ آمریکا همچنان از کار باز خواهد ماند، هرچند که کمکه‌های مادی و بشر دوستانه‌ای به اتحاد شمالی تسلیم کرده است. ترکیه از زمان عهده‌دار شدن مسئولیت نیروهای حافظ صلح ایساف نقش مهمی را ایفا می‌کند. ارتباطات آن با افغانستان دیرینه است و به عنوان یک کشور اسلامی قابل قبول تر می‌باشد. ترکیه این ظرفیت را دارد که نقش عمده‌ای در بازسازی و ساخت مجدد کشور ایفا کند و می‌تواند در حالی که به ساخت استحکامات در افغانستان می‌پردازد منافع سیاست خارجی خود در آسیای مرکزی را هم دنبال کند.

برای خط لوله‌های نفت و گاز چه دورنمایی وجود دارد؟ دولت افغانستان باید ابتدا منابع مالی برای ساخت خط لوله‌ها، کارخانجات تبدیل گاز طبیعی به گاز مایع ال پی جی^۱ و توسعه تسهیلات بندری برای تانکرهای گاز مایع را جمع‌آوری کند. دعاوی حقوقی یونوکال و بریداس^۲ مانع از سرمایه‌گذاری بسیاری از شرکتهای آمریکایی شد چرا که آنها نگران ثبات افغانستان و حتی جنوب آسیا بودند.

ایساف ناگزیر خواهد بود سرمایه‌های جداگانه‌ای را برای دفاع از این خط لوله‌ها اختصاص

1. LPG

2. UNOCAL & BRIDAS

دهد زیرا تقریباً ۷۰۰ تا ۸۰۰ کیلومتر از این خط لوله از افغانستان عبور می‌کند. همه اینها مبتنی بر آن است که ایساف برای مدت طولانی در منطقه بماند و سطح فعلی نیروهای خود را افزایش دهد. در افغانستان ضروری است که واردات گاز با توسعه ذخایر گازی آنها در منطقه مزارشریف تکمیل گردد. پاکستان هم میادین گاز بالقوه و ذخایری دارد که کافی نیستند و در ربع قرن آتی به منابع گازی نیاز خواهد داشت. (۲۷)

برخی از کشورهای شرق آسیا نیز که دارای کمبود انرژی هستند ممکن است از ساخت و تکمیل سیستم‌های خط لوله استقبال نمایند. به‌طور کلی پس از فروپاشی اتحاد شوروی، بسیاری از شرکت‌های خارجی در اسلام‌آباد گردآمدند تا احتمال انتقال نفت آسیای مرکزی به جنوب آسیا و به دنبال آن خاورمیانه را بررسی نمایند. چنانچه امنیت این خط لوله‌ها تضمین شود، کشورهای خاصی در جنوب شرق و آسیای شرقی از جمله ژاپن و کره جنوبی نیز ممکن است برای تأمین مالی این پروژه‌ها توافق کنند. بسیاری از این کشورها با توجه به افزایش تهدید آلودگی، انتخاب گاز مایع را به جای ذغال سنگ برنامه‌ریزی می‌کنند.

پاکستان و افغانستان به عنوان همسایه‌های نزدیک با مرزی مشترک پیوندهای فرهنگی و مذهبی مشترکی دارند. افغانستان ناگزیر به تکیه بر پاکستان برای انتقال کالاها و ورود و خروج آنها با کشتی می‌باشد. پناهندگان افغانی مشکلات اقتصادی - اجتماعی را در شهرهایی چون کراچی، لاهور، پیشاور، کوئته و سایر نقاط کشور از جمله مناطق عشیره‌ای به وجود آورده‌اند. (۲۸)

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر موج مهاجرت‌ها در پاکستان پدیدار شد و تقریباً نیمی از کشور با مهاجرت‌های اجباری به کشورهای همسایه نقل مکان کردند. به عبارت دیگر اگر قرار است گوادار مرکزی تجاری - بازرگانی در منطقه باشد لازمه آن افغانستانی صلح‌آمیز و مرزهایی امن است. در همین حال پاکستان و آسیای مرکزی باید با قدرت و شدت امکان صلح در افغانستان را ترغیب نمایند. انتظار می‌رود تجارت دوجانبه پاکستان - افغانستان امسال به یک میلیارد روپیه برسد. پاکستان می‌تواند به شکلی اعتدال‌آمیز به ساخت و نوسازی افغانستان بویژه بخش‌های مسکن، تجارت، حمل و نقل و زیر بنا سازی کمک نماید.

آخرین افکار و ایده‌ها

از زمان استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی در ابتدای دهه ۱۹۹۰ افغانستان همچنان در منجلاب مناقشات و درگیری‌ها گرفتار مانده است. پاکستان و افغانستان، این دو عضو سازمان همکاری اقتصادی نمی‌توانستند از فرصتهای موجود برای همکاری مفید و سودمندی بهره ببرند. طبق نظر برخی تحلیل‌گران پاکستان از «اتوبوس آسیای مرکزی» جا مانده است اما اگر بتواند از فرصتهای کنونی استفاده کند می‌تواند چشم‌اندازهایی را بگشاید، در غیر این صورت رابطه پاکستان با جمهوری‌های آسیای مرکزی تنها به رؤیایی از خط لوله‌ها کاهش می‌یابد.

چنانچه ثبات و وضعیت عادی به زودی به افغانستان باز نگردد، هر شبکه جدید از خط لوله‌ها و یاراه‌های تجاری به نفع انتخاب‌های دیگر، از این منطقه چشم‌پوشی می‌نماید. بنابراین زمان آن فرا رسیده که افغانستان نه تنها سلاح‌ها را زمین بگذارد بلکه آنها را به‌طور کلی فراموش کند تا این کشور گرفتار در تاریکی جهل، سرانجام از کابوس جنگ و برادرکشی رهایی یابد. جمهوری‌های آسیای مرکزی به نوبه خود باید تلاش و انرژی خود را به کار بندند تا به سوی جنوب آسیا راه پیدا کنند. آنها باید موانع و عوامل بازدارنده خود را کنار بگذارند و نقش جدید ژئواستراتژیک پاکستان در منطقه را که اکنون برای مبارزه علیه تروریسم اتحاد نزدیکی با غرب بسته است، بپذیرند. تصریح بر امیدهای دیندارانه، حماسه‌سرایی در مورد ارتباطات و پیوندهای تاریخی - مذهبی و ترغیب دورنماهای امیددهنده تجاری با جمهوری‌های آسیای مرکزی، موضوع اصلی سمینارها، دیدارهای رسمی و ارتباطات در دهه گذشته بوده است. اکنون باید اقداماتی جدی صورت گیرد تا صلح به مناطق عشیره‌ای پاکستان باز گردد و رهبری افغانستان هماهنگی و یکپارچگی را در کشور احیا نماید چرا که این تنها راه گشودن قفل‌های ثروت در آسیای مرکزی است. چنانچه این کار به موفقیت ختم شود پیروزی متقابلی برای کل منطقه خواهد بود.

در واقع پاکستان یکی از چندین بازیگر قدرتمندی است که با محدودیت‌های جدی مواجه است. برخی ممکن است چنین بحث کنند که حضور نظامی آمریکا و نفوذ روسیه در «خارج نزدیک^۱» به عنوان یک فشار عمده عمل می‌کند. اما این منطقه، وسعتی با پتانسیل‌های بزرگ است که در شرایط مناسب و برنامه‌ریزی صحیح می‌تواند جرقه‌ای در روابط پاکستان و جمهوری‌های آسیای مرکزی باشد. در این منطقه فرصت‌های بسیار و فضای اقتصادی کافی با منابع غنی انرژی وجود دارد. آسیای مرکزی دیگر آن طور که قبلاً ادعا شده بود یک «چاله سیاه^۲» نیست و در دهه ۱۹۹۰ بود که ناگهان در صحنه بین‌المللی به عنوان ابزاری در این «بازی بزرگ جدید» ظاهر شد. این متفاوت از «بازی بزرگ» قرن نوزدهم است چرا که ضرورت پویایی‌های داخلی در جمهوری‌های آسیای مرکزی، گشوده شدن درهای منطقه، تنوع بخشیدن به ارتباطات با دنیای خارج و کاهش وابستگی به روسیه و آمریکا است.

تحلیل آخر این که تنها «کریدور افغانستان» است که هنوز مانعی برای دستیابی فیزیکی پاکستان به جمهوری‌های آسیای مرکزی و بالعکس است و برداشتن این مانع ارتباط و اتصال با جنوب و جنوب شرق آسیا را عملی می‌سازد. متأسفانه افغانستان گرفتار و در تلاطم جنگ، گرچه مانع بزرگی محسوب می‌شود اما تنها کلید و امکان دستیابی پاکستان به جمهوری‌های آسیای مرکزی است. بنابراین همه تلاش‌ها باید متمرکز بر گشودن این راه برای دستیابی به جمهوری‌های شوروی سابق باشد. در حالی که شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی بدون تردید در خلاف جهت پاکستان قرار دارند اما این کشور نباید در مبارزه با تروریسم بین‌المللی درنگ نماید و باید زیربنای مناسبی را در طول مرز پاکستان - افغانستان بنا کند و کمر بند عشیره‌های متمرکز و جنگ طلب را از عناصر نظامی خارجی پاک کند. در همین حال ضروری است وضعیت سیاسی خود در داخل کشور را با دعوت به همکاری از احزاب سیاسی عمده و کسب اعتماد و حسن نیت افغان‌ها از طریق تجارت، کمک و سیاست عدم مداخله تحکیم نماید.

1. Near Abroad

2. Black Hole

در صورت حصول چنین نتیجه‌ای، تنها پاکستان، افغانستان و جمهوری‌های آسیای مرکزی نیستند که بیشترین بهره را می‌برند بلکه سایر کشورهای این شبه قاره نیز بهره‌مند خواهند شد.

یادداشت‌ها

1. M.B. Naqvi, "China and India in the great game", *Defence Journal*, Monthly, Karachi, Vol.5, No.7, February 2002, p.46.
2. Maqbool A. Bhatti, "Slow return to normality", *Dawn*, Karachi, March 18, 2002, p.7.
3. Dr. Farrukh Saleem, "Pipelines of pipedreams?", *The News*, Islamabad, July 27, 2004, p.6.
4. Ure Avnery, "The great game in our time", *Frontier Post*, Peshawar, March 5, 2002, p.6.
5. Saleem, *op.cit.*
6. "ADB mulls various options: India's participation doubtful in gas plan", *Daily Times* (Business and Finance), Islamabad, August 4, 2004, p.B4.
7. "Pak Afghan-Turkmen summit likely", *The News*, April 17, 2002, p.9.
8. "Afghan leader hopes to sign gas project", *The News*, May 30, 2002, p.23.
9. "Trilateral summit may okay gas pipelines", *The News*, May 30, 2002, p.23, *op.cit.*, p.8.
10. "ADB mulls various options: India's participation doubtful in gas plan", *op.cit.*
۱۱. همان منبع.
12. "Pakistan, Afghanistan agree to form joint Ministerial council", *The News*, April 3, 2002, p.16.
13. Amanullah Bashar, "Reconstruction of Afghanistan: New Economic Opportunities", *Pakistan and Gulf Economist*, Weekly, Karachi, Vol.XXI, No.14, April 8-14, 2002, p.14.
۱۴. همان منبع، ص ۱۵، همچنین رجوع کنید به:
"Dawood warns businessmen: trade through land route from NWFP beign misused", *Dawn* (Business), April 10, 2002, p.9.
۱۵. در خصوص آخرین اعمال خشونت‌بار علیه ارتش رجوع شود به:

"Khuszar incident", *The News*, August 3, 2004, p.7.

۱۶. همان منبع.

۱۷. رجوع شود به:

J.A. Siddiqui, "Gwadar port a potential response to challenges of globalisation, *Dawn*, March 22, 2002, p.VII.

18. Shahid Javed Burki, "Bringing together the stans", *Dawn*, 5 March 2002, p.7.

۱۹. همان منبع.

Kunwar Idris, "Indian Muslims and Pakistan", *Dawn*, 10 March 2002, p.7. این بحث برگرفته از:

۲۰. همان منبع.

۲۱. همان منبع.

Taliban have "safe havens" in Pakistan, US embassy, *The News*, June 30, 2004, p.9. رجوع شود به:

24. *Daily Times*, July 1, 2004, p.A12.

25. Stephen P. Cohen, *Daily Times*, June 30, 2004, p.A3.

۲۶. پاکستان در حدود ۷۰ هزار نیرو را در سه سال اخیر در ۷ نمایندگی عشیره‌ای در مرز افغانستان مستقر کرد و این به منظور زدودن و حذف نیروهای القاعده و طالبان صورت گرفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی